جلسه 21

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

صورت دوم مسئله

اگر عذری برای ماموم پیش بیاید، مثلا مزاحمت بول پیش بیاید یا درد شکم عارض شود ناچارا از جماعت خارج می شود و نماز را فرادا می کند البته اگر به محض پیش آمدن عذر، بتواند خود را نگه دارد، در جماعت باقی می ماند.

ولی اگر به محض عارض شدن نتواند خود را نگه دارد، قصد انفراد کفایت می کند برای جدا شدن از جماعت.

البته قصد انفراد از باب اجبار و عنوان ثانویه اضطرار می باشد.

در فرض دو دلیل پدید می آید: یک دلیل بر حفظ ایتمام جماعت داریم، یک دلیل اضطرار به ترک جماعت داریم، به خاطر عروض درد یا مزاحمت ادرار، بین دو دلیل تعارض رخ می دهد. اگر چه حکم اولیه حفظ جماعت است اما در صورت آمدن ادله اجباریه، ادله اجبار حاکم بر دلیل حفظ جماعت می شود، زیرا عنوان ثانویه اضطرار بر او صدق می کند.

دفع اشکال مقدر:در اخبار اشاره ای به این تقدم حکم اضطراریه نداریم زیرا احکام اولیه هیچگاه تعارض ندارند و با آمدن عنوان اضطراریه،به بداهت تقدم حکم ثانویه اضطراریه بر حکم اولیه می شود.

وأما الأعذار التي تلجئه إلى إتمام صلاته قبل صلاة الإمام كحدوث وجع في بطنه مثلا أو مزاحمة بول أو غائط ونحوها فالظاهر أنه لا بد فيها من نية الانفراد وإن كان يكفي فيها قصد المكلف هذه المفارقة وقصد سبق إمامه في الصلاة جمعا بين ما دل على جواز المفارقة في مثل هذا الحال وبين ما دل على وجوب متابعة المأموم ، فحينئذ له‌ التخلص من الثاني بنية الانفراد ، ولعل عدم الإشارة إليها في الأخبار الدالة على جواز المفارقة في مثل الفرض لضرورية حصولها لمريد المفارقة بإرادته ذلك ، ومعلومية ذهاب الائتمام بمثل تعمد هذا السبق والتأخر ، وبعد احتمال تخيل المكلف بقاء ائتمامه وإن لم يتابع لمكان العذر أو غفلته عن قصد الانفراد مثلا وعدمه.[[1]](#footnote-1)

اگر عذری که عارض شده بعد از تاملی، زائل شود و ماموم بنا بر تتابع از امام دارد، آیا می تواند به جماعت برگردد؟

دو صورت دارد: یا قصد فرادا کرده است یا قصد فرادا نکرده است.

در صورتی که نیت انفراد کرده باشد، جواز رجوع بر جماعت او مبتنی برمسئله جواز یا عدم جواز رجوع از انفراد به جماعت است، و در این مسئله دو قول داریم.

قول اول جواز الحاق به طریق اولویت، زیرا او که در ابتدا جایز است به جماعت اقتدا کند در اینجا که دو رکعت از جماعت را با جماعت خوانده و به خاطر عروض عذر جداشده، به طریق اولویت می تواند ملحق شود.

قول دوم عدم جواز الحاق به جماعت: دو صورت دارد:

اول: اگر می خواهد از ابتدا، ملحق به جماعت شود، هیچ اشکالی ندارد و محل بحث نیست.

دوم: اما اگر الحاق ماموم به جماعت به نحو استمرار جماعت قبلی خود باشد، محل اشکال است، منع الحاق استمراری به جماعت، موافق احتیاط است زیرا الحاق بدون تکبیره الاحرام خلاف قاعده است.

اما اگر این مقدار ترک تتابع در افعال نماز، به منزله خروج از جماعت نمی باشد و از باب اضطرار است؛ این جا محل اشکال است زیرا نماز از عبادت توقیفیه است و خلاف احتیاط می باشد.

مگر اینکه مفارقت ماموم در غیر قرائت باشد مثلا در رکوع باشد باز محل اشکال است،

صحت الحاق بنابراین است که بتواند حفظ جماعت و ایتمام کند و از باب سهو در سبقت از امام باشد زیرا جماعتش حفظ شده، چه در قرائت سبقت بگیرد یا در غیر قرائت، الحاقش صحیح است.

فلو ذهب عارضه في الأثناء وأراد الرجوع إلى إمامه بنى ، بناء على جواز تجديد نية الائتمام للمنفرد ، بل لعل ما نحن فيه أولى منه ، لسبق ائتمامه ببعض هذه الصلاة ، بل ينبغي القطع به إن جوزنا تلك المفارقة للمأموم من غير نية انفراد ، بل لمكان العذر جاز له سبقه له مثلا ، وإلا فهو باق على ائتمامه إلى أن تنتهي صلاته ، إذ هو حينئذ مأموم ، ولعل من جوز له المفارقة من غير نية كما يقتضيه بعض إطلاقات الفتاوى يريد هذا المعنى لا أنه يصير منفردا بغير نية كالعذر السابق ، إلا أنه ينبغي تقييده بما إذا كانت مفارقته في غير محل القراءة.

وكيف كان فالظاهر إرادة خصوص العذر المزبور لمن قيد جواز المفارقة مع العذر بنية الانفراد كما عن بعضهم لا الأعذار السابقة خصوصا الأول ، ضرورة بقاء الاقتداء فيه المنافي لنية الانفراد ، فكان من أطلق جواز المفارقة مع العذر بدون نية أراد مثل ذلك العذر ، ومن قيد أراد ما سمعت ، والأمر سهل.[[2]](#footnote-2)

1. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص22.](http://lib.eshia.ir/10088/14/22/الانفراد) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج14، ص23.](http://lib.eshia.ir/10088/14/23/العذر) [↑](#footnote-ref-2)